

به نام خالق کوهها

گزارش برنامه شاه رشید - کالاهو - سرچال

شرح برنامه :

برنامه شاخص ۶ ماهه اول، عنوانی که برای ۳ برنامه مشترک در منطقه علم کوه انتخاب شده بود و از همان ابتدا اهمیت و هیجان برنامه را دوچندان می کرد. ۱۹ تیرماه دقیقاً دو هفته مانده به اجرای برنامه، پیش گزارش کاملی از منطقه و برنامه توسط سرپرست باتجربه، آقای رئوفی در جلسه هفتگی باشگاه ارائه شد. تصور صعود به ۲۲ قله از ۳۵۵۰ متری تا ۴۴۱۲ متر و مسیری با میانگین ارتفاع حدود ۳۸۸۰ متر و سه شبمانی در هیمالیای ایران برای هر کوهنوردی وسوسه انگیز است. تاریخ اجرای برنامه روزهای چهارشنبه، پنجشنبه، جمعه و شنبه از ۲۰ الی ۲۳ تیرماه مشخص شد. امکان مرخصی و مشغله های کاری مانع از حضور بسیاری شد و در نهایت ۱۱ نفر موفق شدند برای آوردگاه خط الراس شاه رشید به سرچال اعلام آمادگی کنند.

صحبت از منطقه علم کوه و تخت سلیمان برای هر کوهنوردی صحبت از رؤیای همیشگی اوست. ذبیح الله حمیدی دریکی از گزارش هایش درباره علم کوه چنین می نویسد:

“شاید اگر علم کوه در رشته کوه البرز وجود نداشت، به هیچ وجه نمی توانستیم البرز را از لحاظ سختی های مسیر صعود با رشته کوه رقیب خود یعنی زاگرس مقایسه کنیم. ... علم کوه دارای ویژگی هایی است که آنجا را کاملاً منحصر به فرد و تبدیل به منطقه ای استثنایی نه تنها در داخل کشور، بلکه در کل منطقه کرده است. وجود بزرگ ترین یخچال طبیعی ایران در علم چال و همچنین وجود بلندترین دیواره ۹۰ درجه ای (گرانیتی) و حدوداً ۷۰۰ متری که در خاورمیانه بی نظیر می باشد، این منطقه را به بهشتی برای کوهنوردان و سنگ نوردان ایرانی تبدیل کرده است.

قله علم کوه با ۴۸۵۰ متر ارتفاع که عنوان دومین قله مرتفع ایران بعد از دماوند را داراست، مانند مرکز هشت پای است که خط الرأس های بسیاری به آن وصل شده اند:

- ۱- خط الرأس قتل کورماکو - کالاهو - کلجاران - سیاه قوک ها - رستم نیش - دندان اژدها - تخت سلیمان - شانه کوه -
گرده آلمان ها - علم کوه
- ۲- خط الرأس قتل پسند کوه - سیاه کمان (فرعی) - چالون - سیاه سنگ - شاخک - علم کوه
- ۳- خط الرأس قتل زرینه کوه - آلانه سر - لشکرک ها - گردونه - مناره - ستاره - خراسان جنوبی - ویرانه کوه - خراسان شمالی
- علم کوه
- ۴- خط الرأس قتل اویدر - دیوچال - سامان - دشت حصارچال - مرجی کش - علم کوه
- ۵- خط الرأس قتل هفت خوان - خراسان جنوبی - خراسان شمالی - علم کوه
- ۶- خط الرأس فرعی انگشت خدا - نگین علم تا علم کوه
- ۷- خط الرأس فرعی تنگه گلو - سیاه سنگ - علم کوه
- ۸- خط الرأس فرعی میان سه چال - شانه کوه - گرده آلمان ها - علم کوه

اما در این برنامه دروازه شمالی منطقه، قله زیبای شاه رشید ۳۲۲۲ متری، برای شروع فتح شوالیه‌های علم‌کوه انتخاب شده است؛ با حرکت به سمت جنوب در بالاترین نقطه به کالاهو خواهد رسید با صعود به ۲۲ قله در گردنه سرچال خط الراس انتخابی خود را تکمیل کرده به پناه گاه سرچال و سپس اردوگاه وندارین ختم می‌شود.

زمان شروع برنامه رأس ساعت ۱۱ مقابل قرارگاه همیشگی قبل از میدان آزادی بود. تنها با ۴ دقیقه تأخیر با رسیدن ۹ نفر از اعضا به سمت کرج و جاده چالوس به راه افتادیم. نفر دهم عقب دار باتجربه تیم جناب آقای حسین باقری نرسیده به جاده کرج به جمع تیم اضافه شدند. نفر ۱۱م مهمان برنامه از شهر زیبای لاهیجان بودند که طبق هماهنگی‌های انجام‌شده در محل کمپ اول به تیم اضافه خواهند شد. یکی از اعضای تیم پسند کوه به علم‌کوه نیز در کرج با ما همراه شدند تا در محل قرارشان در کلاردشت به تیم اصلی اضافه شوند.

ساعت ۱۳، ترافیک شدید جاده چالوس ما را در کنار سد پر از آب امیرکبیر متوقف کرد. ارتفاع بالای آب سد و بحران آب تناقض ذهن مانده در ترافیک بود! این توقف اجباری در گرمای ظهر تابستانی را به فال نیک گرفته و کمی در مورد شرایط این سد توضیح می‌دهم. حجم سد نه به دلیل افزایش بارندگی که به دلیل فرسایش خاک، سال‌به‌سال در حال کاهش هست. گزارش خبر آنلاین در سال ۹۴ نشان داد فرسایش خاک در نقاط بدون پوشش گیاهی منطقه حجم سد را از ۲۰۵ میلیون مترمکعب به ۱۸۵ میلیون مترمکعب با کاهش ۱۰ درصدی همراه کرده و آمار نشان می‌دهد این مقدار تا سال ۱۴۰۰ شاید به ۲۵ درصد هم برسد! لذا در سال‌های کم باران اخیر، پر شدن سد کرج ما را با اشتباه نیندازد! بحران آب جدی است.

بعد از ترافیک شدیدی که به دلیل تعمیر آسفالت جاده در این ساعت از روز در حال انجام بود! بالاخره از سد امیرکبیر گذشتیم با دیدن بچه‌های سنگ‌نوردی روی دیواره پل خواب در این گرمای روز، به یاد شوالیه‌های علم‌کوه افتادیم که در انتظار ما بودند. ساعت ۱۴:۱۰ در پل زنگوله برای صرف نهار و نماز توقف کردیم و بعد از استراحتی ۴۰ دقیقه‌ای دوباره به دامن رشته‌کوه‌های هزارچم و جاده مارگون چالوس برگشتیم.

رأس ساعت ۱۶ به مرزن آباد رسیدیم. از آفتاب خبری نیست! آسمان زیر سلطه ابرهاست. گویا باید منتظر یک پیمایش بارانی باشیم! از چالوس به سمت تنکابن راهی شدیم، نرسیده به تنکابن دور زده تا راهی خرم‌آباد شویم. جاده خرم‌آباد به سمت جنوب غرب در فاصله حدود ۳ کیلومتری تنکابن واقع شده است. هدف رسیدن به کمپ دل‌نشین فلک ده است که در نقشه مکان دقیق آن مشخص شده است.

حاشیه جاده با خانه‌های روستایی تزئین شده، طبیعت منطقه کاملاً بکر بوده و از مسافران خبری نیست. پس از طی حدود ۳ کیلومتر اولین روستا به اتمام رسیده و زمین‌های شالی جای آن را پر می‌کند. در اولین سهرای مسیر مستقیم پیش رفته و سپس به چپ پیچیده تا وارد بلوار اصلی خرم‌آباد شویم. با راهنمایی‌های آقای اکبری که تسلط مناسبی به منطقه داشتند کلیه راه بدون هیچ اشتباهی طی می‌شود. پس از حدود ۵ کیلومتر به سهرای دو هزار رسیده و با توجه به تابلوی راهنما به سمت جاده دوهزار-سه هزار مسیر را ادامه می‌دهیم. کاملاً از شهر خارج شده و پس از یک مسیر پرپیچ خم جنگلی به میدان کوهنورد رسیدیم که یاد میدان دربند را برای همه زنده کرد. در این میدان به سمت چپ پیچیده و وارد جاده اصلی دو هزار-سه هزار می‌شویم. زمین‌های شالی، اسب‌های آزاد و رژه درختان سبز هوای شهر را از تن همه زدود.

پس از ۳ کیلومتر به دوراهی چالیدره به سمت چپ پیچیده، و پس‌از آن نیز در دوراهی سه هزار مجدداً به چپ پیچیدیم جاده سه هزار به سمت راست بود) و ما مسیر خلاف آن را به سمت روستای لیره سر در پیش گرفتیم. در حاشیه جاده آثار جایگذاری

لوله‌های انتقال گاز به روستاهای پایین‌دست نشان از این داشت این منطقه در این ده نزدیک به این نعمت مهم تجهیز خواهد شد. آخرین روستا با نام لیره سر بزرگ‌ترین روستای مسیر بوده که آخرین محل برای خرید اقلام خوراکی و ملزومات موردنیاز سفر هم به حساب می‌آید.

پس از عبور از روستاها با توجه به تابلوهای راهنما به سمت آبگرم و روستای دال کوه پیش رفتیم. طبق گفته آقای اکبری حدود ۶ کیلومتر راه تا روستای فلک ده باقی است که کاملاً از بین جنگل می‌گذرد. ناهمواری جاده کاملاً مشخص بوده و شن‌ریزی انجام‌شده امکان عبور مینی‌بوس از آن را ممکن کرده بود. باران روز گذشته آب‌گرفتگی‌های زیادی را در طول جاده ایجاد کرده بود اما شادابی و طراوت جنگل هم مدیون همین باران است. پس از عبور از چند شیب شدید، درنهایت ساعت ۱۸:۴۵ دقیقه نمای زیبای کلبه‌های فلک ده پایان مینی‌بوس سواری ۸ ساعته ما بود.

با هماهنگی‌های انجام‌شده دو اتاق در اختیار گروه قرار گرفت، افراد کلبه وسایل خود را دسته‌بندی کرده و وسایل اضافی را در مینی‌بوس قرار دادیم. پس از ۸ ساعت نشستن در مینی‌بوس بالاخره فرصتی شد باور کنیم، اینجا هستیم؛ در دل جنگل‌های کوهستان البرز. خبر خوش برای مسافران این راه طولانی آب گرم فلک ده بوده که تنها در فاصله ۵۰ متری شمال روستا قرار گرفته است. آب‌تنی در این آب گرم پرخاشیت روحیه جدیدی به گروه تزریق کرد. امکانات کلبه‌های فلک ده شامل سرویس بهداشتی، آب آشامیدنی و همچنین نعمت برق بوده که در اختیار کوهنوردان قرار خواهد گرفت.

به محض ورود گروه به منطقه، آقای نظری به‌عنوان مهمان برنامه و آخرین عضو گروه به جمع ما اضافه شدند. ایشان اولین نفری هستند که پروژۀ ققنوس و صعود به ۳۱ قله را تکمیل کرده و تجربه ایشان از کوه و کوهنوردی و روحیه پرنانژی و گرم ایشان برای ما گروه بسیار ارزشمند بود.

شب اول - کلبه فلک‌ده - ارتفاع ۹۱۹ متر - جلسه هماهنگی برنامه

نقشه شماتیک منطقه راهنمای مسیر ما خواهد بود. اطلاعات کاملی از نام قله‌ها، ارتفاع هر کدام و کلیت منطقه در نقشه مشخص است اما متأسفانه به مختصات قله‌ها اشاره‌ای نشده است! با توجه به اینکه هیچ‌کدام از قله‌های این منطقه تابلو و نشانی ندارند! تنها با مقایسه داده‌های ارتفاع GPS و ارتفاع قله روی نقشه می‌توانیم تشخیص دهیم به کدام قله رسیده‌ایم که بی‌شک با خطای قابل‌توجهی هم همراه خواهد بود.

برنامه این‌گونه چیده شد: صبح روز دوم با طی مسیر جنگلی به سمت جنوب شرق توسط توپوتا وانت یکی از اهالی به منطقه گزن چال خواهیم رفت. سپس از گزن چال کوله‌کشی را آغاز کرده و به مازی گردن می‌رویم و با طی مسیر به سمت جنوب و جنوب شرق، درنهایت به منطقه نی کل و کمپ دوم خود در پای قله شاه رشید خواهیم رسید. پس از برپایی کمپ شیمانی دوم سراغ فتح اولین قله از برنامه می‌رویم. در روز سوم از شاه رشید به سمت جنوب تا قله قیبی غربی پیش رفته و سپس با حرکت به سمت غرب به کالاهو خواهیم رسید که با شمارش قله‌های مسیر حدود ۱۸ قله را صعود خواهیم کرد. محل کمپ دوم نیم ساعت مانده به کالاهو تعیین شد. روز چهارم و روز آخر از کالاهو به سمت جنوب تا گردنه سرچال پیش روی می‌کنیم و با فتح ۵ قله مسیر را خود را تکمیل خواهیم کرد و از گردنه سرچال به پناهگاه سرچال و نهایتاً به ونداربن خواهیم رسید. لیست قله‌های مسیر تا گردنه کلجارجن مطابق نقشه به شرح زیر است:

- ۲- داکوه ۳۵۵۰
- ۳- رکپشته ۳۵۸۰
- ۴- شورگردن ۳۹۵۱
- ۵- نواس کوه ۳۶۴۲
- ۶- قله بی نام ۳۷۴۲
- ۷- سرمازی گردن ۴۰۸۵
- ۸- قله بی نام ۴۰۶۲
- ۹- قله بی نام ۴۰۶۰
- ۱۰- مازی گردن ۴۰۸۷
- ۱۱- قله بی نام ۴۱۰۰
- ۱۲- کل چال ۴۲۰۰
- ۱۳- سیاه غار ۴۳۲۲
- ۱۴- قبی غربی ۴۳۹۹
- ۱۵- قبی شرقی ۴۳۵۹
- ۱۶- کالاهو ۴۴۱۲
- ۱۷- کلجاران ۴۴۰۰
- ۱۸- میشه ور ۴۲۶۷
- ۱۹- مگس نقار ۴۲۰۰
- ۲۰- نقار نقار ۴۱۹۹
- ۲۱- نیش چال ۴۱۰۴

روز دوم:

صبح رأس ساعت ۷ کل گروه از خواب شیرین جنگلی بیدار شدند و با توجه به زمان رسیدن توپوتا وانت زمان حرکت ساعت ۹ تعیین شد. اعضای گروه باحوصله به صرف صبحانه و بستن کوله‌های خود پرداختند. همسایه‌های پرسروصدای دیشب صبح زود فلک ده را ترک کرده بودند و صدای رودخانه و طبیعت جنگل مهمان صبحگاهی ما بود.

رأس ساعت ۹ همه سوار توپوتا شده و به سمت گزن چال به راه افتادیم. ابتدا ۲ کیلومتر از مسیر دیروز را به سمت شمال برگشته تا به اولین دوراهی برسیم. در این دوراهی کاملاً دور زده و به سمت جنوب پیش می‌رویم. فاصله فلک ده تا گزنچال حدود ۲۴ کیلومتر است که تنها با وسیله‌ای مثل نیسان و توپوتا وانت قابل طی شدن است. در طول مسیر یک فرعی به سمت راست و یک فرعی به سمت چپ است که مسیر اصلی کاملاً متمایز از این دو بوده و در دوراهی گزنچال تابلوی راهنما مسیر صحیح را نشان می‌دهد.

در طول مسیر بر روی بعضی درختان اعداد ۳ رقمی درج شده بود. وقتی از بومیان منطقه در مورد این اعداد پرسیدیم اطلاعات جالبی در اختیار ما قرار دادند. محیط زیست منطقه، هر ۷۰ هکتار از اراضی را به یک پارسال تقسیم‌بندی کرده و هر پارسال به

چند سری و هر سری به چند منطقه دسته‌بندی شده است. که این عدد ۳ رقمی نمایانگر منطقه و سری است که ما در آن حضور داریم. به‌طور مثال عدد ۳۰۲ نشان می‌دهد ما در منطقه ۲ از سری ۳ هستیم.

در مسیر جنگل، زندگی بارنگ سبز جاری بود. همه‌چیز از زمین و چوب و سنگ محکوم بودن به سبزی و زندگی بودند! گویا این قانون معصومیت جنگل است. حتی تن درختان مرده هم با قانون جنگل سبزتر از پیش هم‌رنگ محیط خود شده بود. نمای درختان خشک‌شده‌ای که با خزه‌های سبز پوشیده شده بود از جذاب‌ترین بخش‌های مسیر بود.

در گزن چال کلیه کوله‌ها را از توپوتا به جیب راهنمای برنامه آقای علی داجلری انتقال دادیم تا در مسیر گزند چال به مازی گردن زحمت کوله کشی نداشته باشیم.

گروه رأس ساعت ۱۱:۱۰ دقیقه اولین پیمایش خود را آغاز کرد و در هوای آفتابی و نسبتاً شرجی منطقه پس از یک ساعت پیمایش به مازی گردن در ارتفاع ۲۲۲۲ متری و محل کوله‌ها رسیدیم. در طول مسیر نمای قله شاه رشید، اولین هدف صعود برنامه انگیزه گروه را دوچندان کرد.

حالا برنامه با برداشتن کوله‌های ۱۷-۱۸ کیلویی شکل رسمی خود را پیدا کرد. از منطقه مازی گردن نمای زیبایی از کالاهو قله مورد هدف برنامه و همچنین کل خط الراس موردنظر ما پیدا بود. که با راهنمایی آقای داجلری و همچنین تسلط سرپرست آقای رئوفی اولین آشنایی ما با میزبانان روزهای بعدی صورت گرفت.

از مازی گردن حرکت خود را به سمت جنوب غرب آغاز کردیم. شیب ملایم مسر، آفتاب نه‌چندان شدید و منظره کاملاً بی‌نظیر همراهان ما بودند.

حدود ساعت ۱۳:۱۰ و پس از یک ساعت پیمایش به اولین چشمه مسیر رسیدیم و برای نهار توقف کردیم. آب چشمه بسیار سرد بود و برای تن‌های گرم ما بسیار دلپذیر. مسیر مازی گردن تا چشمه بیشتر به‌صورت تراورس بود و شیب و افزایش ارتفاع خاصی در طول مسیر وجود نداشت. منظره زیبای قله شاه رشید، دروازه شمالی منطقه و مهر ورود ما به خط الراس هدف بعدی مسیر بود که به‌طور حدودی مسیر پیمایش آن ۲ ساعت تخمین زده شد. در طول مسیر از منظره زیبای "عروس سنگ" گذشتیم. داستان این سنگ و شاه رشید گویا ارتباطی باستانی باهم داشته اما راهنمای مسیر به‌طور دقیق از این افسانه محلی آگاه نبود.

رأس ساعت ۱۴:۱۵ دقیقه و پس از حدود یک ساعت استراحت به سمت غرب و قله شاه رشید به راه افتادیم. حدود ۲۰ دقیقه بعد به چشمه دیگری در مسیر رسیدیم و با حرکت به سمت جنوب غرب اولین شیب مسیر را تجربه کردیم. به دلیل وزن کوله‌ها و شیب زیاد حدود ۱۰ دقیقه در سایه بوته‌ها استراحت کرده و مجدداً در جهت جنوب از شیب ۱۰ درجه‌ای بالا رفتیم. حدود ۳۰۰ متر افزایش ارتفاع داشتیم که به لاشه خودرو چپ شده رسیدیم و پس از آن به سمت غرب تراورس کرده و به چشمه سوم مسیر رسیدیم. قدر این چشمه‌ها را در روز سوم پیش از امروز خواهیم دانست! بعد از چشمه سوم مجدداً به سمت جنوب از یک شیب حدود ۱۵ درجه‌ای ۳۰۰ متر دیگر افزایش ارتفاع داشتیم تا درنهایت به ارتفاع ۲۷۰۰ رسیدیم. حال بین ما و گردنه غسل سر تنها یک تراورس شرق به غرب و یک افزایش ارتفاع ۱۰۰ متری باقی‌مانده بود. در طول این تراورس روستای گلاسر در سمت شمال و حدود ۳۰۰ متر پایین‌تر به چشم می‌خورد و پس از عبور از روستا حدود ساعت ۱۶:۴۰ به منطقه گوسفند سرا رسیدیم که تحت عنوان نیکلا شناخته می‌شود. نیکلا در حقیقت به معنای نه کلا یا نه خمره بزرگ است که به داستان ۹ خمره پر از سکه پنهان‌شده در این منطقه اشاره دارد. پس از گوسفند سرا، در جهت غرب با عبور از یک شیب ۱۰ درجه‌ای و افزایش ارتفاع

۱۰۰ متری به گردنه غسل سرا و چشمه گوارای آن رسیدیم که محل دومین کمپ ما در مسیر بود. رأس ساعت ۱۷ به این مکان رسیده و شروع به برپایی چادرها و جانمایی وسایل کردیم. ارتفاع کمپ طبق GPS ۲۸۰۰ متر تخمین زده شد. پس از آماده‌سازی چادرها، ساعت ۱۷:۳۰، ۹ نفر از اعضا برای صعود به اولین قله آماده شدند. دروازه شمالی خط الراس، شاه رشید ۳۲۲۲ متری در شمال غربی کمپ واقع شده است، دو قله جانبی در اطراف آن مشخص است که پاکوب مسیر دقیقاً از بین دو یال منتهی به این دو قله به‌طور مستقیم تا خود قله کشیده شده است. صعود بدون کوله و بسیار سبک با سرعت بالایی طی شد و در عرض ۵۰ دقیقه از یک شیب حدود ۱۵ الی ۲۰ درجه‌ای به ارتفاع ۳۲۲۲ و نمای بی‌نظیر قله شاه رشید رسیدیم. نام قله از حاکمان گذشته این منطقه گرفته شده که بر طبق داستان‌های محلی در این قله سکونت داشته است. یک چهارچوب فلزی، و اتاقک سنگی دست‌چین که گویا جان‌پناه بود نمادهای روی قله بودند. اما فراتر از این دو نماد، شمال قله سپیدی ابرها و جنوب غربی آن برف‌های قله سیلان میزبان شما هستند. طعم وسعت دریای ابر اطراف قله و استحکام سیلان سنگی حس بی‌نظیری است که شوالیه شمالی علم‌کوه به بچه‌های گروه هدیه داد. پس از گرفتن عکس تیمی و استراحتی کوتاه ساعت ۱۸:۳۵ از همان پاکوب به سمت کمپ حرکت کردیم و رأس ساعت ۱۹:۱۹ با رسیدن به محل کمپ پیمایش روز دوم به اتمام رسید.

به لطف حضور خانم مقدسی مربی پرانرژی گروه، حلقه نرمش و سرد کردن نهایی با دقت کامل و رعایت اصول برگزار شد تا بدن‌های خسته آماده سخت‌ترین روز برنامه شوند. فردا روزی است که باید ببینیم این خط الراس چه خواب‌هایی برای گروه ۱۱ نفره‌ی ما دیده است.

طول مسیر پیمایش توسط سواری توپوتا وانت : ۲۴ کیلومتر

طول مسیر پیمایش گروه در روز اول : ۱۵ کیلومتر

میانگین سرعت پیمایش : ۱/۲ کیلومتر بر ساعت

روز سوم - شوالیه‌های علم‌کوه

همه با صدای "برادرا بیدار شید..." سرپرست رأس ساعت ۵ بیدار شده و قاب طلوع خورشید را مهمان چادرهایمان کردیم.

یک ساعت نیم برای صرف صبحانه و بستن کوله‌ها تعیین شد. پس از صعود به اولین قله ، رأس ساعت ۶:۳۲ حرکت گروه به سمت شوالیه‌های بعدی آغاز شد. با توجه باینکه احتمال داده شد تا ساعت ۱۶ روز چهارم دسترسی به چشمه و آب نداشته باشیم تمامی بطری‌ها و کمل‌بک‌ها از آب پر شد اما هوای گرم و مسیر طولانی فراتر از تصور بطری‌های ما بود! زیر سلطه اولین انوار خورشید در جهت شمال شرق کمپ به سمت یال اول حرکت را از یک شیب ۱۰ درجه‌ای آغاز کردیم تا به سنگ‌چین بالای شیب رسیدیم و سپس به سمت جنوب تغییر مسیر دادیم. حال رسماً روی خط الراس قرار گرفتیم و مسیر ما از این‌پس تا قبی غربی به سمت جنوب خواهد بود. پس از ۲ ساعت پیمایش از مسیری با پاکوب مشخص و شیب حدود ۱۰ درجه‌ای به ارتفاع ۳۳۷۴ رسیدیم. سرعت پیمایش در دو ساعت اولیه روز دوم حدود ۱/۷ کیلومتر بر ساعت بود. پس از استراحت ۱۵ دقیقه‌ای به سمت قله داکوه که در جهت جنوب شرقی ما قرار داشت به راه افتادیم. رأس ساعت ۹:۱۰ صبح دومین شوالیه علم‌کوه هم صعود شد؛ قله ۳۴۵۰ متری داکوه. در طول مسیر صعود به داکوه، منظره گله اسب‌های آزاد و شپه کره‌های جوان و سرمستی این نجیب‌ترین چهارپاها زیباترین حس مسیر برای همه بود. پس از صعود به داکوه ، برای صعود به سومین قله در جهت جنوب مسیر را ادامه دادیم. حدود ۱ کیلومتر طی شد و حدود ساعت ۹:۵۰ روی گردنه رکاپشته قرار گرفتیم. رکاپشته در سمت شرقی

ما قرار گرفته بود و ادامه خط الراس به سمت جنوب غرب. لذا کوله‌ها را زمین گذاشته برای صعود رکاپشته به راه افتادیم. آقای رئوفی و افشین برای استراحت و عکاسی از مناظر در گردنه باقی ماندند و بقیه گروه ساعت ۱۰:۰۳ سومین شوالیه علم‌کوه را نیز صعود کردند. پس از رکاپشته مطابق آنچه در نقشه ثبت شده بود قله بعدی نواسکوه با ارتفاع ۳۴۴۲ خواهد بود. به گردنه برگشتیم و بدون فوت وقت کوله زده و به سمت جنوب غربی و ادامه مسیر به راه افتادیم. از ارتفاع ۳۵۱۰ متری گردنه تا ۳۴۷۵ متری در پایین یال کاهش ارتفاع داشتیم و مجدداً روی یک شیب حدود ۱۵ درجه‌ای پیش رفتیم. به دلیل صخره‌ای بودن قله امکان صعود آن که ممکن نبود. پس از بررسی که آقای نظری از جبهه غبی قله داشتند امکان پیمایش آن منطقه ممکن نبود. مطابق تصویر زیر از سمت چپ و با صرف زمان و انرژی بسیار مسیر را طی کردیم. طی این مسیر در زیر گرمای ظهر از روی سنگ‌های ریزشی و شیب ۲۰ درجه، زمان و انرژی بسیاری را از گروه گرفت. ساعت ۱۱:۴۰ پس از استراحت کوتاهی مجدداً مسیر را با سمت جنوب در پیش گرفتیم تا نهایتاً ساعت ۱۲:۱۷ مطابق اطلاعات GPS و نقشه روی قله نواسکوه قرار گرفتیم. در ادامه یک قله بی‌نام به ارتفاع ۳۷۴۲ متری در پیش داشتیم و بعدازآن به اولین چهارهزاری خط الراس یعنی قله سرمازی گردن خواهیم رسید. نمای برف روی حاشیه یک قله نشان ۴۰۰۰ بودن آن بود. اما مسیر طولانی تا رسیدن به آن در پیش داشتیم. مسیر خط الراس از این‌پس به سمت جنوب شرق ادامه میافت. حدود ساعت ۱۴:۱۰ دقیقه برای استراحت و صرف نهار در فاصله یک‌ساعتی از قله سرمازی گردن توقف ۴۰ دقیقه‌ای داشتیم؛ سخت‌ترین وعده غذایی برنامه برای همه گروه همین وعده بود. از یکسو تشنگی و خشکی گلو اجازه خوردن هیچ غذایی را نمی‌داد و از سوی دیگر کمبود آب مانع از تر کردن گلو! اما ابرهایی که هرز چند گاهی برای مدت کوتاهی هاله میان ما و گرمای خورشید می‌شدند تنها خاطره سبز این وعده هستند. حدود ۱۴:۵۰ مسیر را در پیش گرفتیم. از یک شیب حدود ۱۵ درجه‌ای به سمت جنوب پیش رفتیم و رأس ساعت ۱۶:۵۴ روی قله ۴۰۸۵ متری نواسکوه قرار گرفتیم. ادامه مسیر مطابق آنچه در نقشه ثبت شده بود باید شامل قله‌های زیر می‌بود:

- ۱- قله بی‌نام ۴۰۶۲
- ۲- قله بی‌نام ۴۰۶۰
- ۳- مازی گردن ۴۰۸۷
- ۴- قله بی‌نام ۴۱۰۰
- ۵- کل چال ۴۲۰۰
- ۶- سیاه غار ۴۳۲۲
- ۷- قبی غربی ۴۳۹۹

اما آنچه از ادامه مسیر به نظر می‌رسید، به سخت‌ترین قسمت برنامه رسیده‌ایم. مسیر با پستی‌وبلندی بسیار و صخره‌ای! گویا باید با این کوله‌های سنگین دست به سنگ هم می‌شدیم و این یعنی یک روحیه و انرژی مناسب برای فتح آن نیاز بود اما در این‌بین چند نفر از اعضا با کمبود شدید آب مواجه شده بودند و سراغ برف‌های کنار مسیر رفتند. خستگی و تشنگی و عقب ماندن از زمان‌بندی برنامه روحیه عکسی بود که گروه به آن نیاز داشت. اما مسیر و رفتن تنها گزینه روی میز بود. همان‌طور که در تصویر بالا مشاهده می‌شود. در طول خط الراسی که به سمت جنوب شرقی کشیده شده، آخرین قله، باید قله سیاه غار با ارتفاع ۴۳۲۲ متر باشد چراکه پس‌از آن مسیر به طرف جنوب و قبی غربی می‌رسد. و سایر قله‌های معرفی شده در این مسیر صخره‌ای قرار داشتند که عملاً صعود به تک‌تک آن‌ها و شناسایی آنان ممکن نبود.

مسیر را در پیش گرفتیم. همان‌طور که حدس زده بودیم در قسمت‌هایی صعود نسبتاً فنی در پیش داشتیم و عبور از روی سنگ‌های ریزشی که نیاز به دقت و سرعت بالایی داشتند. بالاخره حدود ساعت ۱۷:۴۵ از این مسیر صخره‌ای و قله‌های آن گذشتیم تا در قسمت جنوبی قله موسوم به سیاه غار رسیدیم. بطری‌های خالی آب نگران‌کننده بود! صرف زمان برای آب کردن برف هم قطعاً برنامه عقب‌افتاده ما را با بحران بیشتری همراه می‌کرد. حدود ۲ ساعت و نیم زمان داشتیم تا زیر نور روز مسیر را تا کالاهو طی کنیم! نسیم سرد هوا خبر از شبی سرد می‌داد و پیمایش مسیر پس از قبه غربی نیز گویا چالش‌های بسیاری داشت و قطعاً باید زیر نور روز و گرمای مطبوع آن طی می‌شد تا کمترین خطر را داشته باشد اما تا رسیدن به آنجا هنوز شیب و گام و نفس‌های زیادی در پیش داشتیم! در بین هجوم تمام این تفکرات نگران‌کننده، سکوت فضا با صدای جریان آب برف‌چالی که فاصله چندانی با ما نداشت به زیباترین شکل ممکن شکسته شد! به قول آقای اکبری، شنیدن تنها صدای شرشر دل‌نشین این آب تشنگی ما را برطرف کرد. برای صعود به قله باید از شانه غربی و پاکوب آن ابتدا به گردنه بالای برف‌چال رفته و سپس از جبهه شرقی قله را صعود کرد و مجدداً برای ادامه خط الراس به گردنه برگشت. اما برداشتن آب پیش از حرکت به سمت گردنه باید یک تراورس به سمت غرب داشت و پس از برداشتن آب به دلیل ریزشی بودن شدید سنگ‌های منطقه از همان مسیر برگشت و سپس از پاکوب شانه غربی به سمت گردنه حرکت کرد. برنامه‌ریزی داوطلبانه و هماهنگی کاملی بین کلیه گروه صورت گرفت! افشین و من بطری و کمل‌های بچه‌ها را گرفته به سمت برف‌چال حرکت کردیم. آقای باقری، خانم ناصری، آقای نظری، آقای نوروزی و عکاس گروه خانم اکبری به سمت قله حرکت کردند. بقیه اعضا هم در قسمت جنوبی قله منتظر ما نشستند تا پس از برگشت بطری‌های آب را تقسیم کرده به سمت گردنه حرکت کنیم. محل تجمع مجدد تمام گروه گردنه بالای برف‌چال انتخاب شد.

گروه قله رأس ساعت ۱۸:۱۸ آن را صعود کردند و بدون فوت وقت به سمت گردنه بازگشتند و تمام گروه ساعت ۱۹:۰۵ مجدداً با بطری‌هایی پر از آب‌خنک و روحیه بالا روی گردنه دورهم جمع شدند. شوخی و خنده‌های همه نشان از همان روحیه‌ای بود که دو ساعت پیش روی قله سرمازی گردن به دنبال آن بودیم. پس از استراحتی دل‌نشین به سمت قبی غربی به راه افتادیم. مسیر ابتدا سمت جنوب شرقی تا قله پیش می‌رود پس از آن تا کالاهو خط الراس غرب به شرق خواهیم داشت. صعود به نقطه بالای قبی غربی به دلیل صخره‌ای بودن نیاز به زمان زیادی داشت، همان مؤلفه‌ای که ما از آن بی‌بهره بودیم لذا از جبهه غربی قله گذشتیم و مسیر را به سمت قبی شرقی طی کردیم. از این‌پس نمای قبی شرقی و پشت سر آن کالاهو زیر چشمان منتظر ما می‌درخشیدند. مسیر را در پیش گرفتیم. خستگی و پیچیدگی مسیر گروه را کند کرده بود. برنامه این بود که پس از قبی غربی و در فاصله نیم‌ساعته تا کالاهو کمپ شبمانی سوم را برپا کنیم اما غروب خورشید برنامه‌ای دیگری برای ما داشت. حدود ساعت ۱۹:۴۵ سرپرست با نظرسنجی از کلیه گروه و بررسی وضعیت جسمانی اعضا، تصمیم گرفت کمپ شبمانی دوم بین دو قله قبی شرقی و غربی در ارتفاع ۴۰۵۵ متری و در فاصله حدود ۲ ساعته از کالاهو برپا شود و صبح روز بعد رأس ساعت ۶ حرکت خود را آغاز کنیم. از برنامه عقب‌افتاده بودیم، ۱۳ ساعت کوهنوردی داشتیم و حدود ۱۵ کیلومتر را با کمبود آب طی کرده بودیم و بیش از هر چیز نگران فردا بودیم. چشمه‌ای هم در نزدیک کمپ وجود نداشت باید در مصرف آب بسیار صرفه‌جویی می‌کردیم. اما مقابل دیدگان ما خبر دیگری بود. یک نظر به دیواره علم‌کوه، آب سرد دل‌نشینی بود بر بدن‌های کوفته و گرما دیده...

متنی که با دیدن این مخلوق بی‌نظیر در ذهن من نقش‌بست بهترین راهی است که احساس آن شب رؤیایی را بازگو می‌کند :

"بهشت کوهنوردان و رؤیای عاشقان طبیعت، استوارتر از همیشه مقابل چشمان ما زیر آخرین پرتوهای خورشید می‌درخشد. ترکیب آرامش و خشونت کوهستان این منطقه تناقض زیبایی است که با دیدن علم‌کوه تکمیل شد. پادشاه شوالیه‌های سنگی! لذت دیدن عظمت آن بهترین پاسخی است برای اینکه چرا اینجا بایم و چرا این همه سختی به جان خریده ایم."

طول پیمایش روز سوم : ۱۵ کیلومتر

سرعت پیمایش : ۱/۱ کیلومتر بر ساعت

مدت‌زمان پیمایش : حدود ۱۳ ساعت

صبح روز چهارم، ساعت ۵ صبح پلک‌ها برای روز آخر کار روی کوهستان زیبای منطقه گشوده شدند. شب گذشته در پناه علم‌کوه تن‌ها جان دوباره گرفته بودند. در عرض یک ساعت صبحانه و جمع کردن چادرها و بستن کوله‌ها با سرعت انجام شد و رأس ساعت ۶:۰۳ پیمایش روز آخر آغاز شد. ابتدا در مسیر شرقی صعود به قله‌های قبی غربی، کالاهو انجام خواهد شد و سپس با حرکت به سمت جنوب تا گردنه سرچال پیش خواهیم رفت و از گردنه به سمت پناهگاه سرچال سرازیر می‌شویم. تخمین زده شد حدود ساعت ۱۸ به پناهگاه سرچال رسیده و با احتمال ۹۰ درصد به آب برسیم! زمان زیاد و راه طولانی به نظر می‌رسید و با ذخیره آبی که داشتیم و سرعتی که گروه در دو روز گذشته ثبت کرده بود تکمیل برنامه کمی دور از دسترس به نظر می‌رسید. فارغ از این نگرانی‌ها با سرمستی فکر صعود به کالاهو با انرژی زیر آسمان نقاشی شده مسیر را در پیش گرفتیم. کوهستان علم‌کوه مسیر پیمایش بی‌ظنیری را برای روز آخر ما در نظر گرفته بود. در سمت چپ نمای زیبایی ابرهای سپید و در سمت چپ دیواره‌ها و رشته‌کوه منتهی به علم‌کوه در کل راه همراه ما بودند. پس از حدود ۲ ساعت پیمایش در ساعت ۷:۵۵ به قله قبی شرقی با ارتفاع ۴۲۲۲ متری رسیدیم و با تشخیص سرپرست تنها اعضای آماده‌تر قله را صعود کردند و مجدداً به مسیر پیمایش برگشتند. پس از ۳ روز انتظار بالاخره هدف بعدی کالاهو ۴۴۲۰ متری بود. مسیر سختی به نظر نمی‌رسید؛ تا پای قله با کاهش و افزایش ارتفاعی مواجه نشدیم و از جبهه غربی به سمت قله پیش رفتیم. در طول مسیر با توجه به نمای بی‌ظنیری که از کلیه کوه‌های اطراف داشتیم آقای رئوفی توضیحات دقیقی از منطقه ارائه کردند که بسیار مورد توجه قرار گرفت. البته توضیحات کامل‌تر را به قله کالاهو و پس از صعود به آن موکول کردند. در جبهه غربی کالاهو پاکوب مشخصی با زیگ زاگ دقیقی تا رأس قله پیش رفته است. گروه باروچیه قوی و سرعتی قابل توجهی ساعت ۸:۴۸ به بلندی کالاهو رسید. فتح مهم‌ترین هدف برنامه بسیار دل‌نشین بود. طبق اطلاعات نقشه قله بعدی که در جهت شرق کالاهو قرار دارد قله کلجاران است و باید پس‌از آن مسیر را به سمت جنوب در پیش بگیریم. با توجه به صحبت‌های که انجام شد تصمیم گرفتیم تغییراتی در برنامه داشته باشیم. با توجه اینکه تا گردنه کلجاران قله‌های پیموده شده به ۲۲ عدد رسیده و با توجه به برنامه سایر گروه‌ها ۳۵ قله مورد هدف صعود خواهد شد و همچنین کمبود ذخیره آب و احتمال برخورد با تاریکی و پیمایش در شب تصمیم گرفته شد مسیر را تا گردنه کلجاران پیش رفته و سپس به سمت دره کلجاران و دوراهی کلجاران پیش برویم. با این تصمیم حدود ۴ ساعتی از زمان برنامه کاسته و حدود ساعت ۱۴ می‌توانیم به آب دسترسی داشته باشیم. با تأیید کلیه اعضا برنامه جدید قطعی شد. قله‌های پیش روی ما طبق نقشه:

۱- کلجاران ۴۴۰۰

۲- میشه ور ۴۲۶۷

۳- مگس نثار ۴۲۰۰

۴- نغار نقار ۴۱۹۹

۵- نیش چال ۴۱۰۴

پس از طی لحظاتی بی نظیر بر روی قله کالاهو ساعت ۹:۲۲ به سمت کلجاران به راه افتادیم. مسیر کوتاه بین دو قله در عرض ۳۰ دقیقه طی شد و ساعت ۹:۵۲ کلجاران نیز صعود شد.

GPS ارتفاع کلجاران را ۴۴۲۶ نشان می‌داد در حالی که ارتفاع کالاهو را ۴۴۲۰ نشان داد. حدس ما خطای دستگاه در تخمین ارتفاع دو قله است. البته طبق گفته‌های آقای رئوفی محل تقاطع خط الراس شمالی جنوبی به خط الراس غربی شرقی باید قله کالاهو باشد، اما طبق ارتفاعها و ترتیب قله‌های نقشه این تقاطع قله کلجاران باید باشد و قله قبل از آن کالاهو! با بررسی مختصات رسمی ثبت شده برای این قله می‌توان صحت این موضوع را بررسی کرد.

ساعت ۱۰:۲۲ دقیقه از کلجاران به سمت جنوب به راه افتادیم. پس از پیمایش ۲۰ دقیقه‌ای به قله بعدی رسیدیم که طبق اطلاعات نقشه باید قله میشه ور باشد. اما ارتفاع قله در نقشه ۴۲۰۰ ثبت شده و GPS ارتفاع ۴۳۰۰ را نشان می‌دهد. از این پس تا دره کلجاران ۴ قله دیگر در پیش داریم اما مکان آن‌ها به هیچ وجه مشخص نیست. خط الراس در این قسمت با شیب تقریباً مشخصی تا دره کلجاران کاهش می‌یابد و قله در این بین قرار گرفته‌اند. در منطقه‌ای که دو قله مگس نقار و نغار نقار قرار گرفته‌اند، سنگ‌های صفحه‌ای و ریزشی قسمت عظیمی از منطقه را پوشش داده و گذر از آن‌ها با صدای جالبی همراه است. به گفته سرپرست احتمالاً دلیل استفاده از عنوان نقار برای این قله همین صدای عبور از سنگ‌هاست. در نهایت آخرین قله پیش از دره کلجاران قله نیش چال به ارتفاع ۴۱۰۴ متر است که ۱۱:۴۰ توسط گروه صعود شد. پس از صعود به آخرین قله در ساعت ۱۲:۲۰ دره کل جاران استراحت کوتاهی داشتیم مسیر دره را به سمت پایین برای رسیدن به چشمه در پیش گرفتیم. حدود ۱۸ ساعت است که بدون دسترسی به چشمه‌ای و منبع آبی قابل اطمینان در حال پیمایش هستیم. برف‌های مسیر کمک بسیار بزرگی به کنترل شرایط کردند اما آب گوارای چشمه راه‌حل اصلی برای این چالش بود. شیب ابتدایی دره با زیگ زاگ‌هایی به راحتی طی شد. اما در ارتفاع پایین‌تر گذر از شیب شدید تنها با رفتن روی برف چال ته دره ممکن بود. تجربه جدیدی به برنامه اضافه شود. کنترل تعادل روی برف چال سفت شده و طی مسیری ۱ ساعته بر روی آن که از بخش‌های جذاب برنامه ۴ روزه ما بود. ساعت ۱۴:۱۵ به اولین چشمه رسیدیم و برای نهار و استراحت توقف کردیم. تن سیر آب و صدای چشمه و عطر گیاهان کوهی خاطره سبزی برای همه گروه ساخت. ساعت ۱۵ پیمایش دره کلجاران آغاز شد. در کل مسیر جریان چشمه‌ای از ته دره همراه شماست. عطر آویشن‌های تازه فضا را پر کرده است و کوه‌های سر به فلک کشیده محافظ شما در مقابل گرمای خورشید. اگر خستگی روزهای پیشین همراه ما نبود، پیمایش این دره خود به تنهایی یک برنامه دلپذیر و جذاب بود اما این خستگی امان بریده بود و تنها منتظر رسیدن به ونداربن و دوش آب گرم و استراحتی جانانه بود. پس از حدود ۳ ساعت پیمایش، بالاخره نمای ابرهایی که تمام این ۳ روز پایین‌تر از ما منظره بی نظیری را ساخته بودند خبر از رسیدن ما به منطقه دوراهی معروف کلجاران داشت. ساعت ۱۸:۴۰ به دوراهی کلجاران رسیده و نیم ساعت بعد رأس ساعت ۱۹:۱۰ با رسیدن به ونداربن برنامه ۴ روزه ما به انتهای مسیر خود رسید.

آمار کلی برنامه:

میانگین سرعت ۱٫۳

بیشترین سرعت ۳٫۷

کل مسافت طی شده : ۵۶ کیلومتر

هزینه : هر نفر ۱۳۱ هزار تومان